

اشاره

بررسی تاریخ شکل‌گیری و تکوین مذهب شیعه در سالیان اخیر به دلایل مختلفی توجه بیشتری را در میان محققان داخلی و خارجی به خود معطوف کرده و حاصل این تلاشها نگارش آثار متعددی بوده است که البته کمتر نقد و بررسی آنها مورد توجه قرار گرفته است. اثر حاضر به سبب استفاده گسترده از منابع در میان آثار تألیف شده از ویژگی خاصی برخوردار است. با آنکه به منظور کتاب درسی تألیف نشده، ولی به خوبی می‌تواند برای درس تاریخ تشیع در رشته‌های تاریخ و الاهیات مورد استفاده قرار گیرد.

نقد و بررسی کتاب خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه‌های شیعی در عصر امامان^۱

محمدکاظم رحمتی*

در میان آثار تألیف شده در باب تاریخ تشیع دست‌کم از سه اثر می‌توان نام برد که اهمیت ویژه‌ای داشته‌اند. نخستین این آثار، کتاب تشیع در مسیر تاریخ^۲ است که پایان‌نامه مؤلف در دانشگاه آمریکایی بیروت بوده و از حیث نگاه روشمند به تاریخ آغازین تشیع و طرح برخی مسائل قابل توجه در آن، اثری ممتاز است.

تاریخ تشیع در ایران^۳ اثر دیگری است که علی‌رغم حجیم بودن آن، به دلیل طرح برخی نکات کلیدی چون تطور و تحول مفهوم شیعه در قرون اولیه که بحث مبسوطی در جلد اول آن ارائه کرده، روند گسترش تشیع در ایران در پی چهار مرحله مهاجرت فقها و عالمان

۱. علی آقانوری، خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه‌های شیعی در عصر امامان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵، ۳۶۰ ص، رقی، فارسی.

* محمدکاظم رحمتی، پژوهشگر علوم اسلامی و دانشجوی دوره دکتری.

۲. مؤلف: سید حسین محمد جعفری.

۳. مؤلف: رسول جعفریان.

عرب‌زبان به ایران و نکات فراوان دیگر، بی‌شک اثری مهم است. آخرین اثر که البته در اینجا تنها براساس سیر تاریخی نشر این آثار آخرین اثر است، کتاب مکتب در فرآیند تکامل^۱ است که ترجمه عربی آن نیز چند سال پیش در قم منتشر شده است. با این حال، جای کتابی که در عین جامعیت و اختصار، تاریخ فکری - فرهنگی تشیع در سه قرن نخست را بیان کرده باشد، خالی بود. حتی کتابی دو جلدی که انتشارات سمت به تازگی آن را منتشر کرده، به نظر نگارنده این خلأ را برطرف نکرده است. کتاب خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه‌های شیعی در عصر امامان با چنین پیشینه‌ای به رشته تحریر درآمده است. این اثر که در هفت فصل سامان یافته، سعی در ارائه گزارشی تاریخی از شکل‌گیری و تکون تشیع در بستر تاریخی آن دارد. روشمندی کتاب و استفاده از منابع اصیل از ویژگیهای بارز کتاب است که نشان از آشنایی دقیق مؤلف محترم با زمینه‌های بحث دارد. همچنین نثر کتاب بسیار دلنشین و خوش‌خوان است.

مؤلف در فصل نخست، «چگونگی پیدایش فرق اسلامی»، ضمن بیان معنای فرقه و مراد از آن به دلایل و مسائلی پرداخته که فرق اسلامی براساس آن شکل گرفته‌اند.^۲ اختلافات سیاسی که بعدها چهارچوب کلامی نیز یافت، بی‌شک یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری فرق اسلامی بوده است. مسئله فهم متون دینی و پیش‌فرضهای مختلف عالمان نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر در شکل‌گیری فرق اسلامی بوده است. فصل دوم که «شیعه و فرقه‌های شیعی از نگاه ارباب ملل و نحل» نام دارد،^۳ به پیشینه نگارش آثار در باب فرق اسلامی که بیشتر به کتاب المقالات شهرت دارند، پرداخته و معرفی انتقادی‌ای از مهم‌ترین منابع ملل و نحل‌نگاری اسلامی که مؤلف خود در تألیف کتاب از آنها بهره برده، آورده است.^۴ این بررسی که نخست با ذکر کتاب الزینة فی الکلمات الاسلامیة العربیة از ابو حاتم رازی، داعی اسماعیلی وفادار به سنت قرمطیان بحرین که فاطمیان مصر را به رسمیت نشناختند آغاز شده، با شرح و معرفی چهارده اثر پایان پذیرفته است.

۱. مؤلف: سید محمدحسین طباطبایی.

۲. ص ۱۷-۴۵.

۳. ص ۴۷-۹۰.

۴. ص ۵۱-۶۷.

در میان آثاری که مؤلف محترم از آنها سخن گفته، به نحو طبیعی نام دو کتاب فرق الشیعة منسوب به حسن بن موسی نوبختی و کتاب المقالات و الفرق سعدبن عبدالله اشعری که گزارشهای مهمی درباره تاریخ تشیع آورده‌اند، اهمیت بیشتری دارند. مؤلف محترم به مسئله تشابه این دو کتاب اشاره کرده‌اند، اما به رأی درباره اصالت این دو کتاب و یا اینکه کدام اثر مبنای تألیف دیگری بوده، چندان نپرداخته‌اند. مسئله شباهت میان این دو کتاب پیش‌تر مورد توجه محققانی از جمله ویلفرد مادلونگ و سید محمدرضا جلالی حسینی قرار گرفته است. پرسش نخست آن است که اصالت با کدام یک از این دو کتاب است. آیا ما با دو متن و دو کتاب مختلف روبه‌رو هستیم یا یکی از این دو کتاب رونویسی از دیگری است یا اساساً مسئله دیگری در میان است و آن اینکه با یک کتاب و دو تحریر مختلف روبه‌رو هستیم که یا خود مؤلف چنین کرده یا بعدها کاتبی خوش‌ذوق تحریر مختصر از کتاب اصلی فراهم کرده است؟ پاسخ به این پرسش در گرو این است که از این حدسها و گمانها فراتر رویم و دلیلی مقنع برای این حدسها بیابیم. خوشبختانه نقل قولهای متعددی که محمدبن عمر کشی در معرفة الناقلین باخبار الائمة الصادقین (مشهور با نام اختیار معرفة الرجال) آورده، می‌تواند کمک مهمی به حل معضل اصالت این دو کتاب کند. کشی در نقل قولهایی خود به نقل آنها از سعدبن عبدالله اشعری تصریح کرده است. همچنین نقلی که شیخ طوسی در کتاب الغیبة به نقل از سعدبن عبدالله اشعری آورده و به همان صورت در کتاب المقالات و الفرق نیز آمده است، دلیل دیگری بر اصالت و انتساب کتاب به سعدبن عبدالله اشعری است. بر این اساس می‌توان گفت که اصالت با کتاب اشعری است، اما شباهتهای فراوان میان این دو کتاب به حدی است که بهتر است کتاب فرق الشیعة را تحریر اولیه و یا استنساخی نه‌چندان دقیق یا تلخیص شده از کتاب اشعری بدانیم، هرچند در مواردی کتاب فرق الشیعة صورت اولیه کتاب و بهره‌گیری آن از منبع یا منبعی کهن‌تر را بهتر از کتاب المقالات و الفرق نشان می‌دهد.^۱ آنچه مسلم است این مطلب است که باید از کتاب فرق الشیعة با عنوان اثری منسوب به نوبختی یاد کرد.

نکته دیگر قابل طرح در بحث از منابع مؤلف، ارتباط درونی این آثار با یکدیگر است که البته مؤلف محترم در مواردی به این نکته اشاره کرده‌اند از جمله بهره‌گیری شهرستانی از

۱. برای تفصیل بحث از ارتباط میان این دو کتاب نک: ویلفرد مادلونگ.

کتاب الزینة در تدوین برخی مطالب کتاب خود که نکته جالب توجهی است.^۱ آنچه از مقایسه میان این کتابها می‌توان دریافت فی‌المثل آن است که سعدبن عبدالله اشعری و ابوالحسن اشعری از منابعی مشترک بهره برده‌اند و نویسندگان بعدی نیز عموماً از گزارشهای ابوالحسن اشعری و احتمالاً نه منابعی که وی در اختیار داشته، در نقل اخبار مربوط به شیعه استفاده کرده‌اند که لازم بود این مطلب مورد اشاره قرار گیرد. البته در ادامه بحث، به عنوان آسیب‌شناسی آثار فرقه‌شناسی «مطالب مفیدی در چگونگی بهره جستن از آثار ملل و نحل آمده است.^۲ درباره کتاب تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام^۳ توضیحات کوتاهی آمده و به عدم شناخت درست مؤلف آن اشاره شده است. به تازگی آقای علی بهرامیان که به نسخه‌ای مهم از ترجمه عربی این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی دست یافته‌اند، درباره این کتاب و هویت مؤلف آن گزارش جالبی نگاشته‌اند. ایشان در اشاره به هویت مؤلف کتاب می‌نویسد:

... بنابراین، مؤلف تبصرة العوام، عالمی شیعی است به نام جمال‌الدین محمدبن حسین بن حسن رازی آبی که در دهم شعبان ۶۳۰ قمری در شهر شیراز از تألیف این کتاب به زبان فارسی فراغت یافته و بنابر کتاب دیگرش که به چاپ هم رسیده، یعنی نزهة الکرام و بستان العوام، مدتی پس از تاریخ مذکور، حیات داشته است.^۴

همان‌گونه که مؤلف محترم به درستی اشاره کرده است، ملل و نحل نویسان مسلمان متأثر از حدیث افتراق، سعی در ارائه فهرستی کامل منطبق با عددهای آمده در این حدیث داشته‌اند و همین موجب خلق فرقه‌هایی شده که گاه تنها در ذهن نویسندگان ملل و نحل نگار بوده و وجود خارجی نداشته‌اند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پایان جامع علوم انسانی

فصل سوم که «مفهوم‌شناسی شیعه و تشیع» نام دارد^۵ به بررسی تکوین تاریخی مفهوم

۱. ص ۶۴، پاورقی ۲.

۲. ص ۶۷-۹۰.

۳. ص ۶۵-۶۶.

۴. به نقل از سایت کاتبان.

۵. ص ۹۱-۱۱۶.

شیعه و تطور معانی مختلف آن در بستر تاریخی می‌پردازد. نظریه‌های مختلف در باب شکل‌گیری شیعه و نقد و بررسی آنها موضوع فصل چهارم را تشکیل داده است^۱ که از فصول خواندنی کتاب است. بررسی مشکلات سیاسی، اجتماعی شیعه و رهبران شیعی در عصر ائمه^۲ فصل پنجم کتاب است. تعامل شیعیان در عصر اموی و عباسیان با حکومت و مشکلات آنها به تفصیل در این بخش مورد بحث قرار گرفته است.

بی‌گمان مهم‌ترین مسائل مورد بحث و منازعه میان عباسیان و علویان در عصر عباسی، نخست مسئله مشروعیت عباسیان بود که در زمان منصور با قیام نفس زکیه به بحرانی جدی تبدیل شده بود.^۳ این موضوع به تفصیل از سوی فاروق عمر فوزی در اثر کلاسیک العباسیون الاوائل مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است. البته مؤلف محترم به این بحث اشاره نکرده و حتی در باب نامه‌نگاریهای بین منصور و نفس زکیه که اهمیت مهمی در فهم ماهیت منازعه میان این دو دارد، به کتاب تاریخ طبری که تفصیل این ماجرا را نقل کرده و سالها قبل تیلمان ناگل بررسی درخشانی از آن و اطلاعات مندرج در دیگر منابع منتشر ساخته، اشاره‌ای نکرده و به کتابهای دیگر که در مقایسه با کتاب فوزی آثار حاشیه‌ای هستند، ارجاع داده است. هرچند در فصلهای بعدی^۴ ارجاع به الکامل ابن اثیر یا دست‌کم به منبع زیدی المصایح ابوالعباس حسنی که او نیز متن این نامه‌ها را نقل کرده، وجود دارد. در اشاراتی کلی از وضعیت شیعیان در عصر عباسی، درباره اهمیت خراسان به عنوان یکی از مراکز مهم که عباسیان قیام خود را از آنجا شروع کرده‌اند چنین آمده است:

در زمان اوج‌گیری قیام عباسیان نیز مردم و به خصوص اهالی خراسان و بسیاری از شیعیان علاقه‌مند به اهل‌بیت، نمی‌توانستند به خوبی میان معارضان حکومت اموی تمییز قائل شوند... با این حال تردیدی نیست که زمینه‌سازی و قیامهای قبلی علویان به ویژه زیدبن علی علیه‌السلام در

۱. ص ۱۱۷-۱۵۵.

۲. ص ۱۵۷-۱۹۶.

۳. ص ۱۷۴.

۴. ص ۲۰۳.

کوفه و فرزندش در خراسان (دو مرکز مهم دعوت عباسیان) و جایگاه و
مظلومیت ویژه اهل بیت در مناطق دعوت سیاسی بود که توانست امر
دعوت آنان را سرعت بخشیده، پیروزی آنان را استوار کند.^۱

مؤلف در ادامه همین مطلب به نشست ابواء که گفته شده پیش از قدرت یافتن عباسیان در
محلی نزدیک مدینه برگزار شده، اشاره کرده است.^۲ در باب قیام حسین بن علی فخری در
دوران هادی، مؤلف اشاره‌ای به کتاب ارزشمند اخبار فخر احمد بن سهل رازی و مقدمه عالمانه
ماهر جرار در تحلیل و بررسی این قیام نکرده است. همچنین در بحث از قیام‌های زیدیه
تفکیک دقیقی درباره مسئله کلیدی نص خفی و نص جلی که یکی از مسائل متمایزکننده
دیدگاه امامیه و زیدیه در باب امامت بوده، انجام نشده است.^۳

درباره مسئله تأثیرپذیری زیدیه از معتزله که در صفحه ۱۷۹ در بحث از ناکامی قیام
محمد بن قاسم به آن اشاره شده، همان مشکلی وجود دارد که درباره تحول دیدگاه کلامی
امامیه عقیده به تشبیه هست. اساساً چنین اعتقادی در میان محدثان امامیه کوفه و جریان
محدثان اهل حدیث و زیدیه امری متداول بوده است و تغییر گرایش به موضع تنزیه را به
تأثیرپذیری از معتزله نسبت می‌دهند. در حالی که گرایشهای کلامی مستقل از جریان معتزله
نیز در جامعه اسلامی وجود داشته که نباید از آنها غافل بود. به عنوان مثال، ماد لونگ در
بررسی اخیر خود از آرای کلامی قاسم بن ابراهیم نظریه‌ای را که در کتاب خود درباره قاسم بن
ابراهیم در تأثیرپذیری او از کلام مسیحی مطرح کرده بود، به تفصیل در مقاله‌ای با استنادات
بیشتری مدلل کرده است.^۴

۱. ص ۱۶۹ - ۱۷۰.

۲. ص ۱۷۰.

۳. برای مثال ص ۱۷۹.

4. Wilferd Madelung, Imam al _ Qasim ibn Ibrahim and Mutazilism, in : Ulla
Ehrensward and Christopher Toll, eds., On Both Sides of al _ Mandab : Ethiopian,
South _ Arabic and Islamic Studies Presented to Oscar Löfgren on his Ninetieth
Birthday (Stockholm, 1989), pp.39 _ 48; idem, al _ Qasim ibn Ibrahim and Christian
Theology, ARAM, 3 (1991), pp.35 _ 44.

اشاره‌ای به برخورد خود علویان با یکدیگر در بحث از خشونت‌های عباسیان با علویان که مؤلف آورده خالی از این فایده نیست که اساساً قدرت مطلقه چه در دست عباسیان و چه در دست علویان تفاوتی جدی در این مسئله نداشته است.^۱ توصیف ابونصر سهل بن عبدالله بن داود خاری (۳۵۷ق) در کتاب سلسله العلویة^۲ رفتارها و شیوه‌های شونت‌آمیز بن‌زید بن علویان دیگر که از قضا جملگی از اقوام او بوده‌اند، دست‌کمی از خشونت‌های عباسیان با علویان ندارد. در بحث از برخوردهای میان امام صادق (ع) و منصور عباسی، به دشواری تدوین متون حدیثی و تلاش‌های جریان‌های غالی در رواج متون خود اشاره‌ای رفته و گفته شده است:

با توجه به دست‌یازی غالیان و مفوضه، طبیعی است که ما نیز اکنون از چند و چون، و کم و کیف و میزان دستبرد در مجموعه‌های حدیثی که توسط محدثان کهن گزارش شده، اطلاع روشنی نداشته باشیم.^۳

البته باید به این نکته توجه داشت که مفهوم غلو، از جمله مفاهیم متحول شده است و برخی از احادیثی که در حال حاضر به عنوان احادیث غلو تلقی می‌شود، در نظر محدثان قرن دوم و سوم غلو نبوده‌اند. در هر حال، بی‌توجهی به اینکه چه مفهومی توسط محدثان آن دوره به عنوان غلو مطرح بوده، می‌تواند در نتیجه‌گیری بحث تأثیر داشته باشد.

بررسی اختلافات سیاسی - کلامی شیعیان و اصحاب امامان، موضوع فصل ششم کتاب است^۴ که فصلی بلند و بااهمیت است. درگیری میان سادات حسنی و امامیه که آغازگر این بخش است، با ذکر منازعات کلامی میان این دو جریان در عصر ائمه ادامه یافته و به عنوان مثالهایی از این گونه منازعات و محتوای آنها، مؤلف محترم از دو رساله «الرد علی الروافض من اهل الغلو» و «الرد علی الرافضة»، منسوب به قاسم بن ابراهیم رسی، یاد کرده‌اند^۵ که حاوی نکات مهمی در باب منازعات میان امامیه و زیدیه در این عصر است.

۱. ص ۱۸۰.

۲. ص ۲۶-۲۷.

۳. ص ۱۸۷.

۴. ص ۱۹۷-۲۴۳.

۵. ص ۲۰۳-۲۰۵، ۲۵۸، پانویس ۱.

نکته‌ای که در باب این دو رساله به طور دقیق مورد توجه قرار نگرفته، مسئله عدم انتساب آنها به رسی است. هرچند دست‌کم از قرن ششم به بعد (این تاریخ براساس تاریخ کتابت مجموعه‌ای از رساله‌های رسی در قرن ششم است که این دو رساله در ضمن آنها آمده است) این آثار در میان زیدیه به عنوان تألیفی از قاسم‌بن ابراهیم رسی (۲۴۶ق) شهرت داشته‌اند. در باب عدم انتساب رساله «الرد علی الروافض من اهل الغلو» اشاره درست مادلونگ به ذکر نام قاسم رسی و چهار برادرش در ضمن رساله، به صراحت دلالت بر تألیف این رساله توسط شخصی جز رسی دارد. رساله «الرد علی الرافضة» و انتساب آن به رسی نیز محل تردید است که مادلونگ به این موضوع در بررسی خود در باب رسی به نام امام قاسم‌بن ابراهیم و معتقدات زیدیه (برلین ۱۹۶۵) اشاره کرده است.

در بحث از مسئله شروط امامت در دیدگاه قاسم‌بن ابراهیم^۱ گفته شده که او نیز قیام آشکار امام را از شرط صلیقبولیت مؤسرو عیتامطمی دانست که البته بتوجه بشریطشوار خود قاسم‌بن ابراهیم که عملاً نتوانسته بود به صورت آشکار قیام کند، ظاهراً بتوان با گفته مادلونگ در تردید در اینکه رسی چنین امری را از شرایط امامت می‌دانسته، همداستان بود.^۲ سواى آثار منسوب به رسی، همان‌گونه که مؤلف نیز اشاره کرده^۳، رساله ارزشمند الاشهد، تألیف ابوزید علوی، از دیگر آثار مهم این دوره است که متن آن به واسطه نقل قولهایی که این‌قبه در کتاب نقض الاشهد نگاشته و متن آن را شیخ صدوق در کمال‌الدین و تمام النعمة نقل کرده، باقی مانده است. در بحث از برخی احادیث امامیه در مذمت زید باید به خصوصت روایان امامیه با زیدیه توجه داشت.^۴ همچنین تحلیل و بررسی اسناد این احادیث می‌تواند کمکی به فهم بهتر محتوای آن کند. بحث از مسئله علم امام و ماهیت کلامی امامت در اندیشه اصحاب ائمه موضوع مفصلی است که به تفصیل در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است.^۵

۱. ص ۲۰۵.

۲. نک: مدخل رسی در دائرةالمعارف اسلام.

۳. ص ۲۰۵.

۴. ص ۲۰۷-۲۰۹.

۵. ص ۲۰۹-۲۴۳.

انشعابات شیعی در عصر امامان که فصل هفتم و آخرین بخش کتاب را تشکیل می‌دهد، گزارشی از فرقه‌ها و نحله‌های شیعی در عصر ائمه است.^۱ کیسانیه که ظاهراً قدیمی‌ترین فرقه شیعی در عصر ائمه است، نخستین فرقه مورد بحث مؤلف است.^۲ در بحث زیدیه و انشعابات مختلف آن لغزشهایی دیده می‌شود.^۳ از جمله آنکه تفکیکی در باب عقاید زیدیه نخستین که در مسائل تشبیه و جبر و اختیار موضعی همانند اهل حدیث داشته‌اند انجام نشده و از زیدیان نخستین به قائلان به نفی تشبیه و نفی جبر یاد شده است.

مادلونگ در مقاله‌ای که با عنوان «نقش خوارج و شیعیان در تکوین کلام پیش از اشعری» نگاشته، این موضوع را بررسی کرده است. همچنین در تفسیر ابوالجارود زیدبن منذر که بخشهایی از آن در ضمن تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم باقی مانده و یا کتاب غریب القرآن، منسوب به زیدبن علی، می‌توان اندیشه‌های تشبیهی و جبری را یافت.^۴

همچنین برخلاف آنچه عموماً گفته می‌شود، زیدیه در مسئله امامت تنها علوی و بعدها فاطمی بودن را شرط کافی نمی‌دانسته‌اند. به دیگر سخن، فاطمی بودن و قیام به سیف تنها شرط لازم بوده و شرایط دیگری از جمله علم و پذیرش دیگر عالمان علوی از شروط امامت بوده است، کما اینکه در سنت رسمی زیدیه از همان آغاز حسن بن زید و محمد بن زید هیچ‌گاه به عنوان امام مورد پذیرش قرار نگرفته‌اند. همین‌گونه در میان زیدیان یمنی، به نحو ضمنی یکی دیگر از شروط امامت، از نسل «الهادی الی الحق» بودن است، کما اینکه سادات زیدی که از نسل الهادی نبوده‌اند، به گونه‌ای جدی با اشراف هادوی در باب مشروعیت امامت خود درگیر بوده‌اند. برای نمونه قاسم بن علی عیانی را می‌توان ذکر کرد که در کتاب التنبیه والدلائل به تفصیل از مشروعیت خود در مقابل اشراف هادوی دفاع کرده است. در بحث از فقه و کلام زیدیه، بی‌مناسبت نبود اگر بحثی نیز از متون حدیثی زیدیه نیز ارائه می‌شد، چراکه زیدیه گرچه آثار چاپ شده اندکی دارند، اما سنت ستبر و سترگی در این زمینه داشته‌اند. دست‌کم باید یادی

۱. ص ۲۴۵-۳۱۷.

۲. ص ۲۴۵-۲۵۵.

۳. ص ۲۷۲-۲۵۵.

۴. ص ۲۷۰.

از کتاب الجامع الکافی ابو عبدالله علوی (- ۴۴۴ق) به عنوان بزرگ‌ترین محدث و فقیه زیدیه در قرن پنجم می‌شد که نقش مهمی در حفظ و ضبط سنت حدیثی زیدیه به واسطه تألیف کتاب الجامع الکافی ایفا کرده است.^۱

بحث از غلات، اسماعیلیه، جریان واقفه و گروه‌های شیعی بعد از وفات امام حسن عسکری (ع) که به خطا در مواردی عسگری آمده، از دیگر موضوعات مورد بحث کتاب است.^۲ در بحث اثبات بعد از نقل عبارت‌هایی از کتاب مکتب در فرآیند تکامل و بوساس گفت‌وگویی عنوان شده که جریان غلات در اواخر حیات ائمه، دیگر از الوهیت ائمه سخن نمی‌گفته‌اند. این مطلب نادرست است و شاهد صریح آن وجود رساله‌ای به نام الرسالة راس باشیه، و شرح آن از حسین بن حمدان خصیبی، رهبر و تدوینگر عقاید نصیری است که در آن از الوهیت علی (ع) و ائمه دفاع شده است. در سنت نصیری این رساله اهمیت ویژه‌ای دارد و بعدها ابوسرور میمون بن قاسم طبرانی نیز در رساله‌ای به دفاع از اندیشه‌های الوهیت علی (ع) در رساله‌های خصیبی پرداخته است.

در بحث از عوامل پیدایش غلو دلایلی ذکر شده، اما از یک نکته اساسی در این بحث غفلت شده است و آن اینکه اساساً پدیده غلو در مناطق روستایی و حاشیه شهرها با فرهنگ خاصی شکل گرفته و هیچ‌گاه در میان غلات به نام فقیه یا متکلم بر نمی‌خوریم.^۳ بنابراین، در برخی از نتیجه‌گیری‌هایی که ایشان به نقل از آقای ولوی در کتاب دیانت و سیاست در قرون نخست نقل کرده، می‌باید تأمل کرد و نقشی که ایشان برای غلات تصور کرده‌اند، چندان قابل قبول نیست.

کتاب‌شناسی تفصیلی کتاب و نمایه‌های مختلف، آخرین بخش‌های تشکیل‌دهنده کتاب است. در بخش کتاب‌شناسی نیز نکاتی به چشم می‌آید. به عنوان مثال، از کتاب مسائل الامامة باید با عنوان منسوب به ناشی اکبر یاد شود. عنوان درست کتاب نجاشی، فهرست أسماء مصنفی الشیعة است که به دلیل خطای ناشر آن به نام رجال نجاشی شهرت یافته است. به درستی

۱. ص ۲۶۰.

۲. ص ۲۷۲-۳۱۷.

۳. ص ۲۸۳-۲۸۷.

مشخص نیست که از کتاب خاندان نوبختی یا ترجمه عربی تازه منتشر شده آن توسط آستان قدس رضوی استفاده شده است، چراکه عنوان کتاب ترجمه شده عباس اقبال در چاپ آستان قدس آل نوبخت است.

از ضعفهای کتاب، عدم بهره‌گیری از تحقیقات خاورشناسان است که آثار متعددی درباره دوره بررسی شده تألیف کرده‌اند که لازم است در ویرایش بعدی کتاب افزوده شوند. کتاب تقریباً از اغلاط املائی خالی است، هرچند برخی خطاها نیز در آن دیده می‌شود. این کتاب که بی‌شک می‌تواند منبع درس تاریخ تشیع در رشته‌های تاریخ قرار گیرد، اثری ارجمند و کاری قابل تقدیر و ستایش است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

